

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۲۰ جون ۲۰۱۷

مداخلات امپریالیستها در ونزوئلا

یکی از وظایف معمول زندگانی روزمره ام، مرور اخبار و گزارشات در رسانه های خبری و صوتی است. آنچه توجهم را به خود معطوف داشت، پنجمین کنگره حزبی چپی ها بود که از نهم الی یازدهم ماه جون سال جاری در شهر هنوفر المان برگزار شده بود. در این کنگره "تیم کاری کوبا" AG Cuba ، چپی های تمپلحوف و شونیبرگ "Tempelhof-Schöneberg"، "محکمه بحث عمومی مارکسیستها" Marxistische Forum و "تیم کاری صلح و سیاست بین المللی" (FIP) اشتراک نموده بودند. آنها به روز دوم کنفرانس در این کنگره در گام اول ابتکار عمل را در همبستگی با ونزوئلا قرار داده بودند.

چپی ها سعی و تلاش ایالات متحده امریکا، اتحادیه اروپا و سازمان امریکائی کشور (OAS)، که مقر اصلی آن در واشنگتن است را به تشدید مناقشات و اختلافات فعلی در ونزوئلا که سبب بی ثباتی اوضاع فعلی آن کشور گردیده است و به همین ترتیب حمایت خارجیان از مخالفان خشونتگرا در ونزوئلا را محکوم کردند و اظهار نمودند: مداخلات این کشور ها در ونزوئلا از یک جانب نشانه گیری علیه "مدورو" رئیس جمهور منتخب و دولت وی است و از جانب دیگر آنها علیه پروسه ادغام در جامعه امریکای لاتین که کشور ونزوئلا آغاز نموده است، می باشند.

باید گفت : از این که کشور ها و سازمان نامبرده سعی و تلاش می ورزند تا پروسه ادغام در امریکای لاتین را متوقف نمایند و از این طریق حق استقلال، حاکمیت رشد و توسعه کشور های این قاره را انکار نمایند، مسائل نوی نیستند: در سال ۲۰۰۲ ونزوئلا، ۲۰۰۸ بولیویا، ۲۰۰۹ هندوراس، ۲۰۱۰ اکوادور، ۲۰۱۲ پاراگوای، ۲۰۱۶ برازیل و همچنین وقایع و رویداد های فعلی در ونزوئلا تماماً در ارتباط با ماجرا ها و کودتا های پارلمانی و نظامی علیه خلقهای این قاره بوده که تا هنوز هم ادامه دارد.

اوضاع و شرایط اقتصادی و اجتماعی فعلی در ونزوئلا در حالت افت قرار دارد. طوری که تعداد زیاد از رسانه ها می نویسند، عامل آن در وهله اول اشتباه و لغزشهای دولت "مدورو" نیست.

واقعیت این است: طبقه بالائی مرفه جامعه هیچ گاه پروژه های حکومت "هوگو چاوز"، حامیان و پیروان مردم گرای رهبر انقلاب را جهت پیشبرد اوضاع سیاسی و اجتماعی نپذیرفتند و مورد تأیید قرار ندادند. دولت "نیکلاس مدورو" یکی از منابع عایداتی آنها را که نفت بود، سلب نمود. "مدورو" در سال ۲۰۰۷ به حیث وزیر خارجه و معاون رئیس جمهور ونزوئلا پیشنهادی را ارائه کرد که مطابق به آن برخی از کشورهای امریکای جنوبی و

امریکای لاتین این امکانات را به دست می آوردند تا به بهای ۴۰ در صد از نفت خریداری شده از ونزوئلا را برای ۲۵ سال با سود تنها یک در صد بپردازند. منتقدان دولت "هوگو چاوز" که همان طبقه مرفه و صاحبان شرکت های نفت بودند و تا قبل از به قدرت رسیدن "چاوز" به حیث رئیس جمهور از امتیازات مادی و اجتماعی بهره مند و برخوردار از زندگانی پر تجمل و باعیش و نوش بودند، وی را متهم کردند که برنامه های وی جاه طلبانه است و می خواهد از ثروت نفتی کشور برای گسترش نفوذ سیاسی خود و دولت کوبا در سراسر منطقه استفاده کند. مگر به عکس پلان و برنامه های اجتماعی را که "چاوز" و طرفداران وی در نظر داشتند، آنها می خواستند تا در جامعه با فقر و بدبختی مبارزه کنند و بتوانند فقیر ترین قشر جامعه را از مشکلات اقتصادی و اجتماعی که دامگیر آنها بوده است، نجات بدهند. البته اقدامات دولت دموکرات "مدورو" جهت بهبود زندگانی قشر فقیر و نادار ونزوئلا باعث شد تا در سال ۲۰۰۲ همان اقبال مرفه، با حمایت کشور امپریالیستی امریکا کودتائی را علیه وی سازماندهی نمایند، مگر کودتای آنها با مقاومت شدید خلق بی بضاعت و افراد نظامی صادق و وفادار به وی درهم شکست. برگزیدگان گهنبال ونزوئلا از زمان به قدرت رسیدن "چاوز" در سال ۱۹۹۹ رشد و توسعه اقتصادی کشور را سیستماتیک تحریم می کنند و آنهم طوری که قبلاً تذکر رفت با حمایت و مداخلات کشور های امپریالیستی به خصوص امپریالیسم جنایتگستر امریکا.

چنانچه مخالفان دولت با حمایت مادی و نظامی امریکا در سال ۲۰۰۲ در صدد شدند تا صنعت نفت خام ونزوئلا را فلج نمایند. هدف از اتخاذ چنین تصمیم فروپاشی و درهم شکستن اقتصاد کشور و نابودی زندگانی خلق ستمکش و بی بضاعت که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، بوده است، تا راه را برای کودتا هموار نمایند. عملی که در دیگر کشور های امریکای لاتین هم همواره به کار برده شده و می شود.

طوری که می دانیم محاصره اقتصادی امپریالیسم امریکا در "کوبا" از سال ۱۹۶۰ الی اکنون ، در "چلی" در سال ۱۹۷۳ و حالا در "ونزوئلا". پس در هر جایی که پای منافع آن در میان باشد، آنجا را به آتش می کشد. پس اگر ما به نقشه جغرافیائی جهان نظر بیندازیم دیده می شود که کمتر کشوری در قاره افریقا، آسیا، امریکای لاتین و امریکای جنوبی باقی مانده است که از مداخلات و جنایات کشور های امپریالیستی که در رأس آن امریکا قرار دارد، در امان بوده و پایگاه های نظامی دولت های جنایتکار در آن کشور ها وجود نداشته باشد. امپریالیستها با تمام قواء و امکانات می کوشند، چه با مداخلات نظامی، اقتصادی و تروریستی مستقیم و چه به طور دخالت های منفعت جویانه و ضد بشری، زندگانی را برای خلق های ستمکش و بی سلاح مرگبار ساخته و کشورهای شان را به زندان آنها تبدیل نمایند که به درجائی نموده اند.

هدف امپریالیسم امریکا از مداخلات جنایتکارانه در امور داخلی و دگرگونی اوضاع در ونزوئلا ، برافروختن آتش جنگ های داخلی ویرانگر و خانمانسوز است تا از یک جانب سلاح های خود را به فروش برساند و روز تا روز جنگ را گسترش بدهد، مانند افغانستان، عراق، سوریه، لیبیا ، یمن و از جانب دیگر با برقراری حاکمیت و سلطه خود منابع سرشار نفت ونزوئلا را به شرکتهای امریکائی واگذار و از خلق های آن شیره کشی نموده و عصاره جان شان را بمکد و آنها را تابع و وابسته به سیستم جانی و استثمارگر سرمایه داری بسازد.

امیدوار هستم که خلق ونزوئلا حرکتی را که با رئیس جمهور دموکرات خود "هوگو چاوز" نموده اند به پیش ببرند و پوزه امپریالیستها و حامیان داخلی و خارجی آنها را با خاک یکسان نمایند.